



هفته نامه فرهنگ، خبری  
مدرسه دانستجوی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران

شماره ۱۸۳  
۲۵ آبان ۱۳۹۵  
۱۶ صفر ۱۴۳۸

www.ekashef.ir | info@ekashef.ir  
www.QuranEtratSchool.ir

سال ششم



يَا تُوكَ رِجَالًا مِّنْ كُلِّ فِجٍّ عَمِيقٍ  
از هر سو پیاده به گرد تو می آیم  
On Foot from Every Where to Circle Around You

## خ طابه

### شاخصه جریان ذکر در هر کار تبلیغی، ایجاد خوف و رجاء به طور متوازن است

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۲۰ آبان ماه (قسمت هفتم)

این جلسه چند مطلب را گفتید و برای خودتان واضح باشد. عقیده بنده این است که مطالب باید به صورت گزاره‌ای و دسته‌بندی باشد. از تکرارهای بیش از حد حتما خودداری کنید، البته وقتی یک سخنرانی تکرار نداشته باشد و دسته بندی هم داشته باشد به طور طبیعی ثقیل می‌شود.

**نکته پنجم:** مطالبتان را با مثالهای متناسب برای مخاطبتان بگویید. مثال زدن همیشه هم خوب نیست. هر قدر سطح مخاطب پایینتر است باید مثالها بیشتر باشند اما هر قدر سطح مخاطب بالاتر است مثالها به طور طبیعی کمتر یا متفاوت تر باید بشوند. میزان غلظت یک بحث به وسیله مثالهای کم یا زیاد می‌شود، یعنی هر قدر مثال بیشتر زده شود، بحث رقیقتر می‌شود. در کلاسهای قرآن وقتی کلاس خیلی مثالی میشود، فضای بحث ممکن است به سمت تفسیر به رأی، میل پیدا کند.

**نکته ششم:** مجالس تبلیغ حتما باید مجالس ذکر خدا باشند، یعنی پایه ثابت مجلس، ذکر خدا باشد. ذکر خدا هم به شیوه‌های مختلف جاری می‌شود و مهم‌ترین شیوه آن، اینکه روح ذکر، جاری شود. برای این امر، مبلغ باید از خودش منقطع و به خدا متصل شود تا بتواند روح ذکر را جاری کند. روح ذکر به این است که حمد و تسبیح در آن سخنرانی و کلاس باشد. حمد یعنی فرد حس ناامیدی و درماندگی به خودش نگذرد و حس ذکر خدا و صفات کمالی خدا در آن سخنرانی جریان داشته باشد. نشانه جریان ذکر اینکه وقتی مخاطب از آن سخنرانی می‌رود باید حالت غر زدنش کمتر شده باشد و احساس حرکت و نشاط پیدا کند که با سوره‌های قرآن به طور طبیعی این اتفاق می‌افتد. پس اگر مثلا درباره مساله‌ای اقتصادی یا سیاسی گفتگو شد، بحث صحیح اینگونه است که بعد از نقد، قدرت مواجه فرد با مسائل جامعه‌اش بیشتر و مواجهه او فعالتر شود. روح تبلیغ باید حرکت و امید باشد. اینطور نباشد که وقتی قرآن

می‌دهید. یکی از کارهای جالبی که بعضی مربیان انجام می‌دهند و به ارزیابی از جمع کمک بسیاری می‌کند، پخش کردن برگه‌هایی شبیه پرسشنامه یا با صفحات خالی بود تا بازخورد افراد را قبل و بعد از کلاس دریافت کنند. افراد نظراتشان را می‌نویسند و شما برای شروع بحث می‌توانید به صورت تصادفی از بین آنها انتخاب کرده و بخوانید.

**نکته دوم:** ارتباط با مخاطب است. باید در همان دقایق اول با افراد ارتباطی گرفته شود. حالا یا با سلام و احوالپرسی گرم یا هر طور دیگر. باید سعی کنیم ارتباط بگیریم. یکی از مشکلاتی که در جلسات هست اینکه همه نقاط دور می‌نشینند و سعی میکنند دور از متکلم باشند که اگر بدشان نیاید، خیلی خوب است افراد جمع و جور بنشینند. البته این اخلاقیات، اقلیم به اقلیم خیلی متفاوت است. در بعضی شهرها خیلی راحت میشود ارتباط برقرار کرد و در بعضی شهرها برعکس. ممکن است بعضی حرفها در جاهایی، بهشان بر بخورد و باعث بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی بشود. راه ارتباط گیری این است که به قول امیرالمومنین (علیه السلام) آرام آرام بروید و یک جای برگشت هم برای خودتان بگذارید.

**نکته سوم:** استفاده از وسایل کمک آموزشی مثل پاورپوینت و... می‌باشد. بعضا این وسایل، خیلی کار را راه می‌اندازند و البته نباید اینطور باشد که در صورت عدم امکان استفاده، روند کارتان تعطیل شود و نتوانید صحبت کنید. با استفاده از این ابزارها، حداقل به مخاطب محورهای بحث را نشان داده می‌شود و او متوجه می‌شود که بحث شما سر و ته دارد. همین که مخاطب احساس کند شما برای کارتان ضابطه و نظم دارید اعتمادش به شما جلب میشود.

**نکته چهارم:** لزوم نظم در سخنرانی است. بحث باید به شدت منظم باشد. خیلی از افراد مباحثی که مطرح میکنند سر و ته و دسته بندی ندارد. دسته بندی بحث باید به صورت احکام و تفصیلی باشد و دقیقا بدانید در

راجع به بحث تبلیغ خیلی از مطالب را مطرح کردیم و می‌خواهیم کم کم به اواخر بحث برسیم. علت اینکه خیلی راجع به بحث تبلیغ نمی‌توانیم حرف بزنیم به این خاطر است که خودمان مبلغین خوبی نبوده‌ایم و وقتی خودمان چیزی را بلد نیستیم طبیعتا نمی‌توانیم به دیگران هم یاد دهیم.

گفته شد اگر کسی بخواهد مبلغ خوبی باشد باید خودش را جای کسی که تبلیغ میشود بگذارد و بعد ببیند در چه صورت و حالتی بهترین حالت تبلیغ اتفاق می‌افتد؟ از روی همان مشق کرده و خودش عمل کند. طبیعتا اگر انسان خودش را به جای افراد دیگر بگذارد خیلی راحت می‌تواند قضاوت داشته باشد که مبلغ در چه حالتی باشد بهتر است و بعد خودش آن کار را انجام دهد. در همین راستا در کلاسهای تبلیغی قرآن چند نکته مهم به نظر می‌رسد که به تفصیلشان می‌پردازیم:

**نکته اول:** مخاطب شناسی بسیار اهمیت دارد و یک بازه کوتاه در حد یک یا دو جلسه یا حداقل بخشی از یک جلسه بایستی به این موضوع اختصاص پیدا کند. یعنی فردی که به عنوان مبلغ به جایی می‌رود، باید مخاطب و سطح او را ابتدای جلسه ارزیابی کند. یا اینکه قبل از ورودش به کلاس از فرد مطلعی، سطح کلاس را بپرسد. اما نوعا اینطور است که نباید به توصیفی که راجع به آن کلاس گفته میشود، اکتفا کرد زیرا معمولا توضیحات کامل نیستند و تنها از یک وجه گفته می‌شوند و احتمالا با حضور در کلاس، غافلگیر خواهید شد. اگر در چند دقیقه اول شروع کلاس نتوانید اعتماد مخاطب را جلب کنید او بلند میشود و می‌رود یا دیگر به حرف شما گوش نمیکند. به نظر می‌رسد سوال پرسیدن از جمع میتواند دید خوبی نسبت به آن جمع به مبلغ بدهد. مثلا می‌پرسید چه کسی راجع به فلان موضوع مطلبی میداند و آنها شروع به صحبت می‌کنند. با این کار، هم یک مدخل ورودی به مباحثتان پیدا میکنید و هم افراد را شناسایی می‌کنید و مطالب را طبق حوصله آنها ارائه

خوانده می‌شود و مثلا سوره فلق است، فرد اطراف خود را آکنده از شر و سحر ببیند و خوف بر او غلبه کند. غرض آن سوره این است که بگوید خدا پناه می‌دهد، و حتی اگر کل عالم سحر و شیطان شود، خدا هست. امیرالمومنین علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «فقیه حقیقی کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نسازد و از روح خدا مایوسشان نکند و از مکر الهی ایمنشان نگرداند»<sup>۱</sup>. خوف و رجاء روح ذکر هستند و شاخصه ذکر، بالا رفتن خوف و رجاء به تساوی است. یعنی مخاطب یک جلسه ذکر، به همان میزان که نگران‌تر میشود باید امیدوارتر هم بشود. اگر صرفا امید یا صرفا خوف مخاطب افزوده شود نشانه ناکارآمدی تبلیغ است. عدم توازن خوف و رجاء به معنای عدم ذکر، عدم اطمینان و ایجاد اضطراب است. در هر سوره‌ای حتی اگر همه آیات سوره در وصف جهنم باشد -مانند سوره همزه- حتما مابه ازایش «بسم الله الرحمن الرحیم» ای آمده که روح امید دارد. مخاطبی که بعد از شنیدن سوره همزه پی می‌برد که کل عمرش به همز و لمز مشغول بوده، اگر به سمت حل کردن مشکل برود اوضاع او درست می‌شود، اما اگر احساس کند آب از سرش گذشته و امکان جبران ندارد، همز و لمز خود را بیشتر می‌کند. شیطان در این موقعیت، شرایط سخت‌تری را القاء می‌کند تا فرد برای همیشه مُبلس بشود. ابلاس به معنای یأس شدید و با واژه ابلیس هم‌ریشه است. در این صورت فرد باید برائت خود را نسبت به همز و لمز بیشتر کرده و خود را از مواضع همز و لمز دور کند تا بتواند مقاوم بشود. هیچ زمانی خدا از هیچ بنده‌ای ناامید نشده است. اگر چنین بود این همه پیامبر و قرآن فرستاده نمی‌شدند. ما مجوز نداریم از کسی ناامید شویم. اگر کسی بدترین گناه را کرد، خدا راه جبران برایش گذاشته اما نباید در آن گناه بماند و مبلغ باید کمک کند تا از آن گناه بیرون بیاید. در مورد خودمان هم همینطور است یعنی ما هیچ‌گاه امنیت تام نداریم مگر اینکه بالیمان از دنیا برویم. هیچ کس نمی‌تواند با قاطعیت بگوید اوضاع من خوب است و خوب خواهد ماند. شیوه حضرت فاطمه علیها السلام در دعای زمان احتضارشان<sup>۲</sup> به روشنی مشخص است که فرموده‌اند: «السلام علی جبرئیل السلام علی رسول الله اللهم مع رسولک اللهم فی رضوانک و جوارک و درک دار السلام و علیک السلام یا قابض الارواح عجل و لا تعذبني ثم سمعنا نقول الیک ربی لا الی الا انار...» حضرت علیها السلام دعا می‌کنند و حتی در آن لحظه هم خود را به خاطر نسبت با حضرت رسول صلی الله علیه و آله مستثنی نمی‌بینند از اینکه ممکن است سمت آتش بروند. همین یک دعا را انسان بداند تا آخر عمر برایش بس است که بداند هیچ کس نمی‌تواند بگوید من حتما در بهشت هستم. البته می‌توانیم بگوییم چون الان خدا را می‌پرستیم پس موحد هستیم و طبق آیات قرآن هر کس موحد هست پس در بهشت است اما کسی نمی‌داند که تا دم مرگ در همین حال می‌ماند

یاخیر.

پس نتیجه اینکه بحث خوف و رجاء غالب تبلیغها باید باشد. اگر امید تنها یا خوف تنها اضافه شود یعنی ذکر جاری نشده است. شاخصه جاری شدن ذکر در مجلس تبلیغی، بالا رفتن توأمان خوف و رجاء است، در غیر این صورت آن مجلس ثمره ذکر نداشته است هرچند ممکن است ثمره علمی داشته باشد. توصیه ما این است که هیچ مبلغی در هیچ جا غیر ذکر (یعنی صرفا علمی) عمل نکند. با خود قرار بگذاریم که هر جا مطالبی که بیان میکنیم (ولو مطالب علمی) باید جاری کننده ذکر باشند. ذکر به شاخصه خوف و رجاء و به طور آبی می‌تواند سنجیده شود و میزان آن حال عموم مخاطبین است. مثلا اگر در مجلسی از ما سوال پرسیدند: این سخنرانی که شنیدید امیدوارترتان کرد یا نگرانتر؟ یا تغییری ایجاد نکرد؟ اگر جواب هر دو مثبت باشد یعنی جلسه، ذکر کرده است. پس بعد از هر کار تبلیغی، اگر کار ما ذکر باشد باید روح امید و خوف، متوازن بالا رود. در غیر این صورت منجر به بی‌خیالی یا ناامیدی شده و نتیجه‌اش اضطراب می‌شود و چنین تبلیغی هم منشاء ایجاد کننده اضطراب در جامعه است.

مثال خوف و رجاء در زندگی اینگونه است که مثلا شما برای ساعت ۳ بلیط دارید که مشهد بروید. دقایق جلو می‌روند، اما هنوز راه نیفتاده‌اید و دل شما مثل سیر و سرکه می‌جوشد، به این حالت خوف گفته می‌شود. و اینکه فکر می‌کنید اگر تا ده دقیقه دیگر راه بیفتد حتما می‌رسم، معنای رجاء است. خوف و رجاء، حالتی در وجود نسبت به مقصد است و با انداز و بشارت فرق می‌کند. البته انداز به معنای ایجاد نگرانی کردن است اما این تنها یکی از شئون انداز می‌باشد.

امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «اتَّقِعُوا بَيْنَ اللَّهِ وَاتَّعِظُوا مَوْاعِظَ اللَّهِ وَاقْبَلُوا نَصِيحَةَ اللَّهِ». یعنی از گفتار خداوند بهره‌مند شوید، و از پندهای خداوند پند بگیرید، و نصیحت خدا را را فرمایید. این جمله را می‌توان جزء مبانی تبلیغ حساب کرد و در هر کار تبلیغی بر اساس آن عمل کرد. حضرت سه موضوع را مطرح می‌کنند: بیان، موعظه و نصیحت. پس هر تبلیغی باید از این سه جزء برخوردار باشد و هر کدام از آنها جایگاهی پیدا میکنند و مخاطب را به سمت عمل نزدیک میکنند. در ادامه خطبه نیز در مورد قرآن و رویکرد به قرآن و بعد درباره عمل می‌فرمایند که ان شاءالله درباره آن تفکر کنیم و در جلسه بعدی به آن خواهیم پرداخت.

#### درباره سفر اربعین و ضرورت نیابت برای زائرین و مانده‌ها

ان شاءالله کسانی که تشریف می‌برند راهپیمایی اربعین ما را دعا کنند و کسانی هم که نمی‌روند ما را دعا کنند. آنها که می‌روند از بقیه برای زیارت، نائب شوند و آنهایی هم که می‌مانند در کارهای عقب‌مانده دوستان

زائرشان نائب شوند. هرکه کار عقب‌مانده‌ای دارد حتما نایب بگیرد و در زیارت با کار عقب‌مانده نباشد. پس هر دوی افراد به هم نیاز دارند. حداقل کاری که زائرین خوب است انجام دهند، نوشتن وصیت‌نامه است. مجموع کارهایی که بناست در زندگی‌شان انجام بدهند را به کسی از افراد نیابت دهند و یک نایب کل برای زندگی‌شان انتخاب کنند. اگر آن نایب هم خودش زائر بود، دو تا نایب بگیرند که یکی از آنها در زیارت نباشد. آنهایی هم که می‌مانند، مجموع حوائج و کارهایی که دارند را بسته کرده و به صورت مکتوب نوشته یا در ذهنشان ثبت کنند و از زائرین بخواهند که در زیارتشان برای آن حوائج دعاگو باشند. مهمترین چیزی که زائرین برای بقیه باید بخواهند احساس آمادگی و حضور در صحنه است. ان شاءالله که هر دو جمع نایبین، زیارتشان و کارشان قبول باشد. با این ساختار، هر کس یک عقبه پیدا می‌کند و هرچه که زیارت کند یا کاری انجام دهد، به آن یکی هم حتما می‌دهند و غیرممکن است که ندهند. اگر فردی اینجا بماند و نایب نشود، زیارتش قبول نیست چون هرکه را با نایب می‌پذیرند. انسان باید کارهایش تمام شود و طبیعتا کارهایش هم تمام نیست پس حتما باید نایب بگیرد تا کارهایش تمام شود. یک عده زمانی می‌توانند یک کار را انجام بدهند و یک عده زمانی دیگر، کار دیگری را می‌توانند انجام دهند. ما باید بتوانیم رفتار اجتماعی الهی از خودمان بروز بدهیم تا خدا ما را با هم قبول کند. چون خدا کسی را تکی قبول نمی‌کند. نکته مهم بعدی اینکه آنهایی که نتوانسته‌اند بروند، اسم خودشان را جامانده، وامانده و در راه مانده نگذارند! این وصفها بار معنوی دارد و دلیل می‌خواهد. در راه مانده کسی است که اطاعت خدا نکند. وامانده آن است که اطاعت خدا نکند. در صورتی که من دارم به اطاعت خدا عمل می‌کنم و می‌مانم و شما هم دارید به اطاعت خدا عمل می‌کنید و می‌روید. شما نایب من هستید و من هم نایب شما هستم. نظام بشری اقتضایش اینگونه است. مثل این است که یک نفر از دنیا می‌رود و دیگر دستش از انجام عمل کوتاه است و فرزندانش باید کارهایش را انجام دهند. نظام عالم این طور است که همه زنده‌اند اما در دریه‌شان، هرچند دستشان از عمل دیگر کوتاه شده باشد. ادبیات جاماندگی و غیره که در شأن یک مومن نیست. البته ممکن است کسی دلش بسوزد و ناراحت شود اما صحبت این است که چرا همیشه اینطور نیستیم؟ چرا همیشه دلسوخته نباشیم؟ چرا باید بعضی وقتها این حال به ما دست دهد؟ چرا نباید همیشه دلتنگ آنجا باشیم؟ باید این حالت را همیشگی کنیم. از خدا بخواهیم که دلتنگی برای خوبان همیشگی باشد و به کارهایمان هم برسیم. توفیقات هم نشانه دارند و اگر کسی به خاطر توفیق، کاری را انجام داد نشانه‌اش علم و محبت به خداست.





توفیقی که به دست می آورند، یاد می گیریم که هر کار خیری می تواند این حظ، بهره و ملاقات را داشته باشد. ان شاء الله که خداوند به همه توفیق دهد، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

۱. الفقیه کل الفقیه من لم یقنط الناس من رحمه الله و لم یویسهم من روح الله و لم یومنهم من مکر الله. (نهج البلاغه حکمت ۹۰)
۲. بخش آخر کتاب صحیفه فاطمیه (چاپ جدید)

اگر ما توفیق پیدا نمی کنیم و هر کار خیری را انجام نمی دهیم به این دلیل نیست که دوست نداریم یا نمی خواهیم بلکه به این دلیل است که دنیا محدود است. از نیامدن به اربعین یاد می گیریم که همه کارهای خیر را دوست داشته باشیم و مثل نیامدن به اربعین غصه بخوریم که چرا کارهای خیر را نمی توانیم انجام دهیم. یاد بگیریم که این غصه خوردن ما برای همه کارهای خیر باشد و سبک و سنگین هم نکنیم. مایی که نمی رویم، از داغی که به قلبمان گذاشته می شود و آنها که می روند، از

هرکس به خاطر اطاعت خدا کاری کرد یا نکرد به او علم می دهند و علمش هم نقد است و نسیه نیست. علمی همراه با محبت است که در جا به او میدهند. ما بعضی وقت ها کاری را انجام نمیدهیم به خاطر اینکه نمی توانیم و از روی اطاعت نیست. پس باید آن را به اطاعت تبدیل کنیم. اینگونه همان ثواب انجام عمل را به او خواهند داد. چون زیارت نرفتن به دلیل طاعت، حفره ای را در وجود ایجاد می کند که به همان اندازه زیارت است و به همان اندازه هم پرش می کنند.

## یادداشت علمی

### سیر از خاک به افلاک در سوره مومنون

بسترهای سوره در ارتباط با یکدیگر با رویکرد تدبیر ادبی (قسمت اول)

#### ۱. مقدمه و روش پژوهش

سوره مومنون، در مکه نازل شده است و ۱۱۸ آیه دارد. مطالعه سوره با تأکید بر واوهای استیناف، چندین فضای متمایز را مشخص می کند. واو استیناف، با عطف قسمت های به ظاهر متمایز سوره از یکدیگر، ارتباط هر قسمت با غرض اصلی سوره را برقرار می سازد. آیات ۱ تا ۲۳ سوره مومنون ۴ بستر متفاوت را به تصویر می کشد. ساختار ایمان در آیات ۱ تا ۱۱، مراحل خلقت انسان در آیات ۱۳ تا ۱۶، خلقت ۷ آسمان در آیات ۱۷ تا ۲۲ و ارسال رسل در آیات ۲۳ به بعد بیان شده است. تدبیر ادبی، یکی از روش های فهم قرآن است که با استفاده از معنا و کاربردهای حروف در آیات قرآن مانند حروف عطف، حروف تفصیل، حروف قید و انواع دیگر، انسان را به فهم غرض سوره و فهم تفصیلی از آیات می رساند.

در این پژوهش تلاش بر آن بوده است تا فهم ۴ بستر سوره یعنی ساختار ایمان، مراحل خلقت انسان، ارسال رسل و خلقت ۷ آسمان با روش تدبیر ادبی انجام شود و ارتباط بین بسترها در انتها مشخص شده و فرایند مومن شدن به عنوان غایت انسان در دنیا فهم شود. حروف مورد استفاده در این پژوهش و معنایی که از آن ها با استفاده از کتاب تدبیر ادبی ۲، استفاده شده است (اخوت، ۱۳۹۳) در زیر آمده است:

- ۱- واو استیناف: شروع کلام و عطف کلام به غرض اصلی
- ۲- واو عاطفه: عطف کلام به کلام قبل
- ۳- ثم: مرحله زمانی یا رتبی
- ۴- فاء: ترتیب
- ۵- من: تمایز
- ۶- باء: وساطت
- ۷- فی: بستر
- ۸- لام تعلق
- ۹- لام تعلیل
- ۱۰- علی: تفوق و تسلط

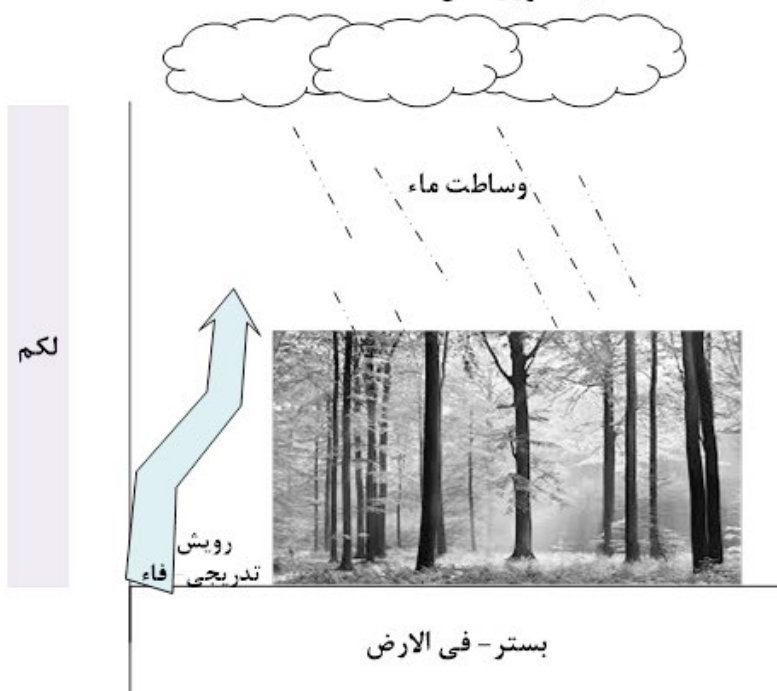
#### ۲. نتایج

##### ۱. تمثیل ۷ آسمان برای مطالعه بسترهای دیگر

- خلقت آسمان ها از سه بستر دیگر متمایز شده و به عنوان تمثیلی برای کل سوره مورد استفاده قرار می گیرد. عناصر این تمثیل عبارتند از:
- ۱- جهت نزول - من السماء
  - ۲- واسطه رویش - ماء بقدر
  - ۳- تدریج و مرحله - فاسکناء - فانشانا
  - ۴- بستر مناسب رویش - فی الارض
  - ۵- بهره مند شونده رویش - لکم
  - ۶- تسلط اراده پروردگار بر وجود بستر: انا علی ذهاب لقادرون

تسلط قانون الهی - انا علی ذهاب به لقادرون

جهت نزول - من السماء

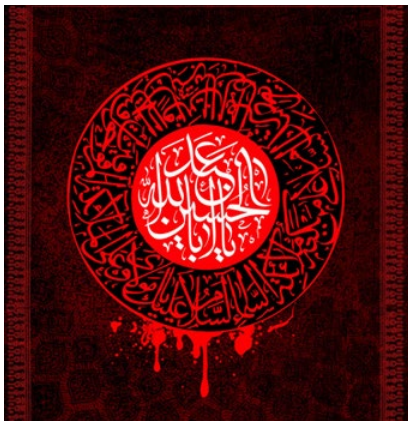


تک خوشه

قدم‌های اربعین

ای حسین (علیه السلام)  
ای یگانه‌ی تاریخ،  
ای به وسعت تمام قرن‌ها،  
قدم‌ها  
با نام تو بر می‌خیزند  
و به نوای تو گام بر می‌دارند  
و با عشق تو  
خواهند رسید  
به اربعین تو  
و سلام ما  
بر تو  
ای امام مهربان.

|| شیوا علیزاده ||



۲. بستر ایمان؛ مومنون (عطف و وصف حال)
- توصیفات مربوط به ایمان، با حرف واو عاطفه به یکدیگر متصل شده است. این بستر با عطف‌های پی‌درپی ویژگی‌های ایمان را در ابعاد مختلف بیان می‌کند. عطف در این قسمت نشان‌دهنده وضعیت ثبوتی، ملکوتی، غیرمادی و فطری ایمان است.
- مومن شدن یعنی بروز صفتی پایدار که همراه با ویژگی‌ها و صفات دیگری است.
  - اضافه شدن صفات شکل‌دهنده ایمان به همدیگر، به معنی مومن شدن است.
  - این صفات نسبت به یکدیگر مرتبه و مرحله‌ای نداشته و می‌توان با فعال کردن هر یک، دیگری را ارتقا داد.
  - مومن شدن به معنای رسیدن به یک منطقه ثبوت و استقرار است.
  - ایمان نیازمند بستری از تواضع و نرمی برای شکوفایی است.
  - ایمان با تمایز دادن خود از برخی چیزها شکوفا می‌شود.
  - ایمان نیازمند تعلق فرد به چیزهایی است.
  - ایمان نیازمند نگهداری و حفظ برخی تعلقات (شخصی) از گزند آسیب هاست.
  - حفظ تعلقات در گرو داشتن معیار است.
  - در نهایت حفظ این شروط (بستر نرم و پذیرای فعل، ایجاد تمایز، تعلق، نگهداری و حفظ) فرد را داخل در ایمان می‌کند.
  - سیر طبیعی شکوفایی ایمان مشخص است و هر کس شرایط شکوفایی آن را فراهم نکند، از گردونه حیات خارج شده و (نطفه ایمانش سقط می‌شود). عادیون شدن نشانه خارج شدن این انسان از این گردونه است.<sup>۱</sup>
  - (فمن ابتغی) خروج از این گردونه در این مرحله به معنی متمایز بودن این مرحله از مراحل بعد است.
  - مرحله بعد، نیازمند نوعی رعایت نسبت به دیگر تعلقات اجتماعی‌تر است.
  - هم چنین شکوفایی ایمان در این مرحله نیازمند محافظت از چیزی (صلوات) است به گونه ای که بر آن
۳. بستر خلقت انسان (ثم و فاء)
۱. حروف اتصال‌دهنده توصیفات این بخش، اغلب فاء و ثم‌اند. فاء نوعی مرحله و سیر را نشان می‌دهد و ثم نوعی حرکت و طی مراتب در بستر رشد طبیعی و خلقی یا ناسوتی را توصیف می‌کند. خلقت انسان دارای مراتب مشخص و مرحله ای بوده است. و عینی تر است. جنس انسان با عبارت من سلاله طین، بستر رشد و پرورش نطفه با عبارت فی قرار مکین و ترتیب و مراحل رشد نطفه با فاء آمده است.
  - هر مرحله شاخصه‌های خاص خود را دارد که طی شدن یکی، نیازمند طی شدن مرحله قبلی است.
  - این مراحل با توجه به ثم شامل زیرند:
  - ۱ - خلقت از سلاله طین
  - ۲ - جعل نطفه در قرار مکین
  - ۳ - خلقت علقه از نطفه و مضغه از علقه و عظام از مضغه، و لحم از عظام
  - ۴ - انشاء خلقا آخر
  - ۵ - مردن
  - ۶ - بعث در قیامت
- \*\*\*
- (ادامه مقاله با توصیف بستر چهارم درباره ارسال رسل را در شماره آتی دنبال نمایید...)
۱. وَ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّراطِ لَنُكَيِّبُنَّ (سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۷۴)

|| فاطمه قیاض ||

برگزاری دوره جدید طرح بیوت نورانی در مناطق شهر تهران

پیشخوان

علاقه‌مندان به حضور در جلسات قرآن خانگی می‌توانند به خبر مرتبط در سایت مدرسه قرآن و عترت (QuranEtratSchool.ir) مراجعه کرده و جدول برنامه‌های منازل را در مناطق مختلف شهر تهران همراه با آدرس و روزهای جلسات دریافت نموده و از این طرح در محله خود بهره‌برند.

طرح بیوت نورانی متصدی برگزاری جلسات انس با قرآن در منازل سطح شهر می‌باشد. دوره هفتم این طرح با ارائه سوره‌های جزء ۲۴، ۲۸ و ۲۹ در ۳۵ بیت نورانی توسط مربیان قرآن از ۱۵ آبان‌ماه آغاز شده و تا ۱۵ بهمن‌ماه ادامه خواهد یافت.



کاشت

صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت  
زیرنظر | هیأت سردبیر  
مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمداری  
هیأت تحریریه | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

المرحمة المهداة  
المرحمة المهداة  
المرحمة المهداة